

## **Comparative study of dual citizenship status and its positive and negative consequences in Iranian, Russian and common law**

### **Abstract**

The present study seeks to investigate the comparative status of dual citizenship and its positive and negative consequences in the laws of Iran, Russia and the Commonwealth. the payment. According to the thematic documents presented in this research, the research method is descriptive-analytical and the method of data collection in this research is documentary-legal analysis. The findings of this study indicate that: First, comparing the legal systems of Iran and Russia, most of the differences are in the view of the laws of these two countries regarding dual citizenship. Russia accepts dual citizenship and constantly updates its legal laws in this regard, while Iran does not accept dual citizenship, but faces a large number of dual nationalities and does not have a suitable legal solution to this issue. Second, the effects of citizenship in Iran due to imposition The citizenship of a man over a woman and the extension of the citizenship of the father to the children is different from the common law, which has accepted the joint citizenship of the couple and the citizenship of the parents.

Keywords: .Iran, Russia, Citizenship Rights, Citizenship, Dual Citizenship, Common Law

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.304295.2298>

## بررسی تطبیقی وضعیت و پیامدهای مثبت و منفی تابعیت مضاعف در حقوق ایران، روسیه و کامن لا

مونا انوری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

سید مرتضی قاسم زاده زاویه (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

علیرضا ظاهری (استاد مشاور)<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر درصدد بررسی تطبیقی وضعیت و پیامدهای مثبت و منفی تابعیت مضاعف در حقوق ایران، روسیه و کامن لا است از این منظر پس از بسط فضای مفهومی موضوع و بیان جنبه مسئله مند بودن آن، به بررسی ابعاد و جنبه‌های مختلف تابعیت مضاعف خواهد پرداخت. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، تحلیل اسنادی-حقوقی می‌باشد. یافته‌های این مطالعه، حاکی از آن است که: اولاً، مقایسه نظام حقوقی ایران و روسیه بیشتر تفاوت‌ها در نوع نگاه قوانین این دو کشور در خصوص تابعیت مضاعف به چشم می‌خورد. روسیه تابعیت مضاعف را می‌پذیرد و مدام قوانین حقوقی خود را در این راستا به روز می‌کند در حالی که ایران تابعیت مضاعف را نمی‌پذیرد اما با جمع‌کنندگی از دو تابعیت‌ها روبه‌رو است و راهکار حقوقی مناسبی برای این موضوع ندارد ثانیاً، آثار تابعیت در ایران بر اثر تحمیل تابعیت مرد بر زن و تسری تابعیت پدر به اولاد متفاوت از حقوق کامن لا است که تابعیت مشترک زوجین و تابعیت پدر و مادر را مورد پذیرش قرار داده است، می‌باشد

**کلیدواژه‌ها:** ایران، روسیه، حقوق شهروندی، تابعیت، تابعیت مضاعف، حقوق کامن لا

<sup>۱</sup>گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران mona.anvari90@yahoo.com

<sup>۲</sup>استادیار گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران (نویسنده مسئول)

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران. slayed.m.qasemzadeh@gmail.com

<sup>۳</sup>استادیار گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، گروه حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

azaheri@gmail.com

مسئله تابعیت از گذشته‌های دور مطرح بوده اما از زمان پیدایش دولت‌های مدرن اهمیت بیشتری پیدا کرده و چالش‌هایی در اجرای آن به وجود آمده است، تابعیت رابطه سیاسی و معنوی است که شخصی را به دولت معینی مربوط می‌کند (Trend Toward Dual Nationality: 6). که در فرهنگ حقوق بین‌الملل آمده است: «تابعیت، رابطه حقوقی میان فرد و یک دولت است» (www.henleyglobal.com). تابعیت، تأمین‌کننده حمایت دولت از فرد بوده و حقوق و تکالیف خاصی را برای او به همراه دارد. هم‌زمان با مسئله تابعیت بحث مسائل دو تابعیتی نیز به وجود آمد مبنی بر اینکه دولت‌ها در گذشته تابعیت مضاعف را غیرقابل پذیرش می‌دانستند زیرا در سال‌های دور به علت تعهدات مربوط به خدمت نظامی و همچنین درگیری‌های نظامی مکرر میان کشورها، یک فرد تنها می‌توانست به یک کشور وفادار باشد و تابعیت آن را اخذ نماید. همانطور که جرمیا سولیوان<sup>۱</sup>، دادستان عمومی ایالات متحده در سال ۱۸۵۹ تأکید کرده است، هیچ دولتی نباید به شهروندان خود اجازه دهد که وفاداری و تابعیت خود را با کشور دیگری تقسیم نماید زیرا همگان می‌دانند که یک فرد نمی‌تواند به دو ارباب خدمت کند. از این رو می‌توان یکی از موضوعات بحث برانگیز حقوق بین‌الملل که در روابط دولتها با اتباع کشورهای بیگانه هنگام طرح دعوی بین‌المللی ظاهر می‌شود، تابعیت دوگانه دانست که برای تبعه داشتن بیش از یک تابعیت وضعیتی استثنایی و غیرعادی به وجود آورده و بحث انجام تکالیف تبعه نسبت به یک یا چند دولت و بهره‌مندی از حقوق و مزایای اتباع دو یا چند دولت به ویژه حمایت سیاسی را مطرح می‌نماید (مدنی، ۱۳۷۵: ۵۴؛ نصیری، ۱۳۷۵: ۲۹۱).

اما با گذشت زمان و تغییر شرایط - مانند افزایش ازدواج‌های بین‌المللی، ارتباطات خانوادگی و افزایش مهاجرت از یک سو و حرفه‌ای و پیچیده شدن درگیری‌های نظامی و در نتیجه کاهش اهمیت خدمت سربازی، تابعیت مضاعف در بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شد. همچنین، نگرش سیاسی در خصوص تابعیت مضاعف تغییر کرده است. در حال حاضر حدود نیمی از کشورها تابعیت مضاعف را به رسمیت می‌شناسند و با گذشت

<sup>1</sup> Jeremiah Sullivan

زمان بر تعداد این کشورها افزوده می‌شود. امروزه به علت تأثیرات بین‌المللی تابعیت مضاعف و سود ناشی از آن برای کشورها، تابعیت مضاعف یک مفهوم ارزشمند به شمار می‌رود.<sup>۲</sup> از این رو با توجه به مطالب فوق می‌توان تابعیت مضاعف را به وضعیتی اطلاق کرد که در آن یک فرد به‌طور همزمان شهروند دو کشور باشد. تابعیت مضاعف به معنای جمع شدن دو تابعیت یا بیشتر در شخص می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۲: ۱۱۰۹). پس در عین آنکه تابع دولتی هستند دولت دیگر نیز آنها را تابع خود می‌داند (خلعتبری، ۱۳۱۶: ۲۳). عدم رعایت اصل وحدت تابعیت (اصل دوم از اصول تابعیت) منجر به ایجاد معضل تابعیت مضاعف می‌شود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۴: ۳۶). اما آنچه در ادامه حائز اهمیت می‌باشد این است که هیچ کنوانسیون بین‌المللی در خصوص شرایط تابعیت وجود ندارد و این مسئله تابع قوانین داخلی کشورها است که ممکن است این قوانین با یکدیگر در تضاد باشند.<sup>۳</sup> به عنوان مثال، ایران برخلاف بسیاری از کشورها و از جمله روسیه، تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسد؛ یعنی هیچ شهروند ایرانی حق ندارد به جز تابعیت ایرانی تابعیت کشور دیگری را داشته باشد و در صورت کسب تابعیت جدید تابعیت ایرانی او خود به خود ملغی می‌شود. اما در خصوص روسیه و موضوع تابعیت مضاعف در آن بایستی اذهان داشت که در نتیجه فروپاشی چنین حکومت بزرگ و قدرتمندی چون اتحاد جماهیر شوروی، تنها مشکلات مربوط به، به دست آوردن حاکمیت کشورهای تازه استقلال یافته پس از فروپاشی شوروی نیست، بلکه مشکل اصلی تعیین وضعیت حقوقی افرادی است که بر جای مانده از جدایی مرزهای حکومت‌های جدید التاسیس هستند در حالی که در حقوق کامن لا خاصه در کشورهایی که تابع این سیستم حقوقی هستند در خصوص تابعیت مضاعف دو دیدگاه مختلف در باره شهروندی، ملیت، وفاداری به ملیت و هویت ملی وجود دارد. از یک سو افرادی قرار دارند که با معانی و الزامات تابعیت دوگانه و یا شهروندی دوگانه مشکل دارند و افزایش آن را هشدار داده و تابعیت مضاعف را عامل تضعیف اتحاد مهاجران در جامعه و سیاستی می‌دانند که کل معنا و درک هویت ملی را تغییر داده است به عنوان مثال این مسئله در امریکا به عنوان یکی از کشورهای دارای

2. <https://www.henleyglobal.com/industry-news-details/the-rise-of-multiple-citizenship/>

3. Turner, Bryan S. (eds.). Handbook of Citizenship Studies. SAGE Publications. p. 278. ISBN 978-0-7619-6858-0.

حقوق کامن لا اهمیت بسزایی دارد. به طور کلی مروری بر پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام شده در این زمینه از جنبه‌های مختلفی به تابعیت مضاعف پرداخته‌اند. دوروتا پودزیانوسکا<sup>۴</sup> (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان: «پیچیدگی‌های تحلیل تابعیت دوگانه»<sup>۵</sup> ابتدا ضمن بررسی مسئله تابعیت و ارتباط این موضوع با تابعیت مضاعف بحث پیچیدگی‌های حقوقی تابعیت دوگانه را مورد مطالعه قرار می‌دهد. نگارنده در مقاله خود به این نتیجه می‌رسد که: سیر تکاملی قوانین مربوط به تابعیت دوگانه را نمی‌توان با استفاده از روش‌های مقایسه‌ای که بر اساس تعداد محدودی از قوانین انجام می‌شود، به طور کامل و جامع مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. یوسی هارپاز<sup>۶</sup>، (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان: «تابعیت مضاعف: تابعیت دوگانه به عنوان استراتژی پیشرفت جهانی»<sup>۷</sup> ضمن توجه به موضوع تابعیت مضاعف و ارائه تعارف و ویژگی‌های آن عقیده دارد که تابعیت مضاعف می‌تواند در پیشرفت جهان موثر واقع گردد. یوسی هارپز و پابلو ماتئوس، (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان: «تابعیت استراتژیک: مذاکره در خصوص عضویت در دوره تابعیت دوگانه» این مقاله به سه نتیجه مشخص دست می‌یابد: الف) تعداد بیشتری از افراد در کشورهای غیر غربی به دلایل استراتژیک به سوی کسب تابعیت دوم سوق یافته‌اند؛ ب) این روند به یک ایجاد یک رویکرد ابزاری نسبت به تابعیت می‌انجامد؛ ج) بخش اعظم ارزش تابعیت به حق تحرک جهانی باز می‌گردد. اوسول ناماساسو<sup>۸</sup>، (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان: «تابعیت دوگانه در لسوتو»<sup>۹</sup> نگارنده بررسی می‌کند که با توجه به پیوندهای حقوقی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی میان لسوتو و آفریقای جنوبی مقاله به این نتیجه می‌رسد که بر کسب تابعیت دوگانه پافشاری می‌کنند و توجیهی برای تغییر قانون اساسی آفریقای جنوبی و اعطای تابعیت به آن‌ها وجود ندارد. سید محسن شیخ‌الاسلامی (۱۳۸۴) در کتابی با عنوان: «حقوق بین‌الملل خصوصی»، ضمن بررسی تابعیت مضاعف از زوایای متعدد و دلایل موثر برای ایجاد تابعیت به این موضوع می‌پردازد که اشخاصی که بدون اطلاع کشورهای متبوع خود،

4. Dorota Pudzianowska

5. The Complexities of Dual Citizenship Analysis

6. Yossi Harpaz

7. Compensatory Citizenship: Dual Nationality as a Strategy of Global Upward Mobility

8. Oswell Namasasu

9. The case for dual citizenship in Lesotho

تابعیت جدیدی را تحصیل می‌نمایند، موجب می‌گردند که تابعیت مضاعف پیدا نمایند. بررسی پیشینه‌های پژوهش نشان می‌دهد که هیچ‌کدام به صورت مستقیم و همزمان به بررسی تطبیقی تابعیت مضاعف در حقوق ایران، فدراسیون روسیه و حقوق کامن لا با تاکید بر بررسی پیامدهای مثبت و منفی آن نپرداخته و به صورت کلی و غیرمستقیم اشاره‌ای به آن داشته‌اند. این پژوهش در پی آن است آثار و عواقب تابعیت مضاعف در حقوق ایران، روسیه و کامن لا را مورد بررسی قرار دهد و آثار مثبت و منفی آن را برشمارد. فقدان یا ضعف پژوهش تطبیقی در زمینه تابعیت دوگانه در مراجع قانونی کشور روسیه فدراتیو، جمهوری اسلامی ایران و کامن لا باعث شده تا اهمیت علمی - عملی این تحقیق بیش از پیش ضرورت پیدا کند.

### تابعیت مضاعف

تابعیت مضاعف در واقع رابطه‌ای است که یک شخص ممکن است با دو یا چند دولت داشته باشد و از اصل تابعیت واحد تخطی نموده باشد. این نوع تابعیت به‌این دلیل به وجود می‌آید که دولت‌ها حق دارند شرایطی را که به‌موجب آن یک فرد جزء اتباع آنان می‌شود، مشخص کنند. تابعیت مضاعف شاید در نگاه اول فریبنده باشد چراکه به افراد امکان می‌دهد تا برای به دست آوردن رویداد و گذرنامه از میان چند کشور دست به انتخاب بزنند اما واقعیت کاملاً متفاوت است چون تابعیت در عین داشتن حقوق یا مزایا، تکالیف و تعهداتی را نیز بار می‌کند (بلدسو، ۱۳۷۵: ۱۵۸). تابعیت مضاعف ممکن است مشکلاتی را برای شخص چند تابعیتی پدید آورد؛ همچون پرداخت مضاعف مالیات و خدمت نظام‌وظیفه چندباره. دولت‌ها نیز در مورد حمایت سیاسی از این افراد گاه دچار اختلافاتی می‌شوند. همچنین ممکن است اختلاف قوانین کشورها شخص و مجریان قانون را دچار ابهام کند؛ مثلاً اختلاف در قوانین مربوط به ارث و وصیت موجب بروز مشکلاتی در تقسیم ارث و اجرای وصایای اشخاصی می‌گردد که از تابعیت مضاعف برخوردارند. بنابراین از آنجا که تابعیت منشأ حقوق و تکالیف می‌باشد کسی که دارای بیش از یک تابعیت است در یک وضع غیرعادی می‌باشد؛ زیرا از یک طرف برخورداری از حقوق و مزایای اتباع دو دولت ظالمانه بوده و از طرف دیگر بسیار دشوار است که شخص بتواند تمام تکالیف خود را نسبت به دو دولت ایفا نماید، مخصوصاً اگر این تکلیف خدمت نظام‌وظیفه باشد (نصیری، ۱۳۷۲: ۴۱). پس این

نوع تابعیت نه تنها در حقوق داخلی باعث بروز مشکلاتی می‌گردد بلکه در سطح بین‌المللی نیز اشکالاتی را در بردارد (ارفع‌نیا، ۱۳۷۲: ۶۰). رویه واحدی در مورد نحوه برخورد با این وضعیت وجود ندارد؛ برخی کشورها تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسند و هر شخص را فقط تابع یک کشور می‌دانند و تمهیداتی را برای جلوگیری از ایجاد تابعیت مضاعف در نظر می‌گیرند. به‌طور مثال انکار تابعیت قبلی را برای افرادی که درخواست تابعیت می‌کنند ضروری می‌دانند یا تابعیت خود را از افرادی که به تابعیت کشور دیگری درمی‌آیند، برمی‌دارند. کشورهای دیگر برعکس تابعیت مضاعف را پذیرفته و اوراق هویتی و حقوق و تکالیفی که تابعیت کشوری دیگر برای شخص ایجاد کرده را معتبر می‌دانند. در کنوانسیون پان امریکن که در ۱۳ اوت ۱۹۰۶ در ریودوژانیرو به تصویب رسیده است و نیز در معاهدات دو جانبه‌ای که دولت امریکا از سال ۱۸۶۸ با بعضی دول دیگر، راجع به تابعیت منعقد نموده است برای رفع مشکل تابعیت مضاعف مؤثر و فعال شخص ملاک عمل واقع شده است (ارفع‌نیا، ۱۳۷۲: ۶۸).

مثلاً شخصی که هم‌زمان تابعیت ایران و ترکیه را داشته باشد باید در قبال هر دو کشور به انجام خدمت سربازی بپردازد یا در امور مالی نسبت به هر دو کشور مالیات پرداخت کند. همچنین در زمینه‌ی برخورد کشورهای ثالث یا نهادهای بین‌المللی با افراد چند تابعیتی نیز اختلافات و ابهاماتی وجود دارد. عرف بین‌المللی تشخیص تابعیت مؤثر و رعایت قوانین کشور دارای تابعیت مؤثر در مورد چنین اشخاصی است. برای مثال شخصی که به آمریکا سفر کرده است و تابعیت کشورهای فرانسه و انگلستان را دارد، در صورت بروز مسئله‌ای حقوقی برای او که بایستی با قوانین کشور متبوع وی حل گردد، شهروند کشوری محسوب می‌شود که تابعیت مؤثرتری بر وی داشته است، هر چند قواعد دقیقی برای تشخیص تابعیت مؤثر وجود ندارد. از این‌رو کشورها تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسند. رویه دولت‌ها در مواردی که کسی خود را گرفتار مشکلات ناشی از تابعیت مضاعف می‌کند این است که او را به حمایتی واگذارند که در قوانین داخلی کشور دیگر، که وی تبعه آن نیز محسوب می‌شود، برای او پیش‌بینی شده است. رسیدگی به شکایات وی علیه آن دولت دیگر به‌عنوان یک امر بین‌المللی به معنای آن است که به صلاحیتی مافوق صلاحیت آن دولت دیگر، که وی تبعه آن نیز بشمار می‌رود، قائل

شویم و این فرض وضعیت بغرنجی به وجود خواهد آورد؛ زیرا هیچ دولتی حق دولت دیگری را برای مداخله از جانب کسی که هنوز او را تبعه خود می‌داند، به رسمیت نمی‌شناسد (کاسس، آنتونیو، ۱۳۶۴: ۸۰).

**تابعیت مضاعف در روسیه:** در قوانین روسیه، مفهوم "تابعیت مضاعف" به این معنی است که شخص به طور همزمان دارای تابعیت (تابعیت) دو یا چند کشور است. منبع تابعیت مضاعف، به طور معمول، در قوانین داخلی این کشور نهفته است. تابعیت مضاعف در صورتی بوجود می‌آید که قانون شامل مجموعه‌ای کامل از محدودیت‌ها نباشد که از وقوع آن جلوگیری می‌کند. برای جلوگیری از تابعیت مضاعف، حداقل باید سه قانون محدود در قانون حداقل یکی از این دو کشور وجود داشته باشد:

الف- انصراف از تابعیت قبلی به عنوان شرط اخذ تابعیت "خود".

ب- پایان دادن به تابعیت "خود" در نتیجه به دست آوردن تابعیت دیگر.

ج- عدم اعطای تابعیت "خود" از طریق تولد، اگر کودک از بدو تولد تابعیت یک کشور خارجی را بدست آورد.<sup>۱۰</sup>

**تابعیت مضاعف در ایران:** بر اساس اصل ۴۱ قانون اساسی تابعیت ایرانی هر فرد تبعه ایران که تابعیت کشور دیگری را بپذیرد سلب خواهد شد. ماده ۹۸۹ قانون مدنی ایران تصریح دارد که اخذ تابعیت کشور دیگر از سوی اتباع ایران که بر خلاف مقررات صورت بگیرد پذیرفته نیست و آن فرد همچنان تبعه ایران محسوب می‌شود اما حق مالکیت اموال منقول و استخدام در دولت ایران از او سلب خواهد شد (مورد خاوری مدیر عامل سابق بانک ملی) اخذ تابعیت کشورهای دیگر برای اتباع ایران منوط به رعایت مقررات قانونی است و این مقررات در ماده ۹۸۸ قانون مدنی آمده است (در حقیقت اخذ و کسب تابعیت بیگانه منوط به لغو یا ترک تابعیت ایرانی است).

<sup>10</sup>. ДВОЙНОЕ ГРАЖДАНСТВО В РОССИЙСКОМ ЗАКОНОДАТЕЛЬСТВЕ(2012), [https://sapporo.mid.ru/doub\\_rus](https://sapporo.mid.ru/doub_rus)



**تابعیت مضاعف در حقوق کامن لا:** در حقوق کامن لا خاصه در کشورهایی که تابع این سیستم حقوقی هستند در خصوص تابعیت مضاعف دو دیدگاه مختلف در باره شهروندی، ملیت، وفاداری به ملیت و هویت ملی وجود دارد. از یک سو افرادی قرار دارند که با معانی و الزامات تابعیت دوگانه و یا شهروندی دوگانه مشکل دارند و افزایش آن را هشدار داده و تابعیت مضاعف را عامل تضعیف اتحاد مهاجران در جامعه و سیاستی می‌دانند که کل معنا و درک هویت ملی را تغییر داده است به عنوان مثال این مسئله در امریکا به عنوان یکی از کشورهای دارای حقوق کامن لا اهمیت بسزایی دارد. در این کشور اتحاد موفق مهاجرین یکی از دستاوردهای سیاست و جامعه امریکا بوده است. در کشورهای اروپایی که میزبان مهاجرین فراوانی از مستعمرات گذشته شان و کارگران مهاجر و کودکان آنها بوده است، ممکن است به مهاجران نگاه کمتر مثبتی شده و آنها را کمتر به اسطوره های محبوب ملی ارتباط دهند (و یا اصلا ارتباط ندهند). اما این کشورها تحت تاثیر ارزش‌های انسان‌گرایانه و لیبرال غربی هستند که دائما برای همه انسان‌ها حقوق برابری می‌طلبند. علاوه بر این، مشخص شده است اگر این خارجی‌ها به صورت دائمی بمانند، مناسب است که شهروندی یک ملت واحد را داشته باشند. می‌توانیم در مواردی از این دست، تابعیت مضاعف را مانعی بر سر راه این یکپارچگی بدانیم که برداشت‌های مشترک از وفاداری به یک کشور و الزامات آن را تهدید می‌کند. از سوی دیگر، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که استدلال دارد تابعیت مضاعف یک پیامد قابل درک و قابل انتظار از مهاجرت است که بیش از آن حتی وعده جهانی بهتر از هویت‌های متعددی را می‌دهد که در آن ملیت‌گرایی و میهن‌پرستی افراطی کم شده و آستانه‌ی تحمل افزایش پیدا کرده است. شاید تابعیت مضاعف گامی زود هنگام در ظهور نوع جدیدی از چند ملیت‌گرایی، شهروندی جهان‌شمولی و انطباق بهتر با جهانی از نقل و انتقالات افزایش یافته و ارتباطات آسان باشد. (Glazer, 2010: 6814-6820)

#### بررسی تابعیت مضاعف در ایران و روسیه

ماهیت قدرت‌ها، فعالیت‌های علمی-فرهنگی و اقتصادی و همچنین پتانسیل‌ها نیازهای بقایای موجود در هر کدام از این دو کشور به عنوان اشخاص حقیقی و حقوقی در شرایط جغرافیایی این و یا آن دولت موارد مشترک

و مشابه و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به رسمیت شناختن تابعیت دوگانه در قوانین کشور روسیه و بالعکس نپذیرفتن آن در مجموعه قوانین مصوب ایران اصلی‌ترین تفاوت‌های سیستم حقوقی دو حکومت است. ایران و روسیه در صد سال اخیر از تاریخ خود انواع تغییرات و جابه‌جایی‌ها را تجربه کرده‌اند. علاوه بر آن، نظام اجتماعی-سیاسی دو کشور شباهت‌های خاصی دارد که برگرفته از ماهیت و شکل حکومتی آنها است. در مورد کشور روسیه، اصلی‌ترین نقطه اختلاف آن در حوزه قوانین مربوط به تابعیت دوگانه، پیامدها و نتایج تغییرات پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در این کشور است که هیچ نقطه اشتراکی با روند توسعه تابعیت دوگانه در ایران ندارد. و در نقطه مقابل، شرایط مشابه و یکسان برای دو کشور به شرح زیر است:

الف) وجود نظام بسته قدرت سیاسی در دوره مشخص از تاریخ دو کشور.

ب) مهاجرت‌های اقتصادی با هدف بهبود شرایط اقتصادی خود با گسترش روند جهانی شدن در دنیا.

شایان ذکر است که بر خلاف فدراسیون روسیه رویکرد عملی ایران پس از انقلاب همواره بر پایه عدم پذیرش تابعیت دوگانه برای شهروندان ایرانی و عدم پذیرش حمایت‌های سیاسی در صورت وجود تابعیت دیگر است که باعث بروز مشکلات زیادی در روابط خارجی ایران شده است (عباسی و بداعی، ۱۳۸۸: ۹۰-۱۰۰). طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران تابعیت دوگانه مردود اعلام می‌شود یعنی شهروند ایرانی حق گرفتن تابعیت دیگری را ندارد و در صورت بروز این اتفاق تابعیت ایرانی فرد به صورت اتوماتیک باطل می‌شود؛ اما عملاً هزاران شهروند ایرانی بدون باطل کردن تابعیت اولیه خود دارای تابعیت دوگانه هستند. بر خلاف مجموعه قوانین ایران، تابعیت دوگانه در فدراسیون روسیه در سطح قانونی به رسمیت شناخته می‌شود و روسیه چند توافقنامه با کشورهای بر جای مانده از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی امضا کرده است. طبق قوانین فدرال روسیه در مورد موضوع تابعیت که در سال ۲۰۰۲ تصویب شد، شهروند فدراسیون روسیه که علاوه بر تابعیت کشور دیگری را نیز دارد، تنها شهروند روسیه فدراتیو محسوب می‌شود به استثنا مواردی که امکان کسب تابعیت دوگانه در توافقنامه‌های بین‌المللی به آنها داده شده باشد یا مواردی که بر پایه قوانین فدرال فدراسیون روسیه باشد (ماده ۶ بخش اول). علاوه بر این اتخاذ یک تابعیت دیگر برای کسی که شهروند روسیه است، باعث باطل شدن تابعیت روسی فرد

نمی‌شود (ماده ۶ بخش دوم) و همین دلایل زمینه حقوقی ایجاد تابعیت دوگانه را برای شهروندان روسی به وجود می‌آورد (قانون شهروندی و تابعیتی روسیه، ماده ۶).

موارد استثنایی در کسب تابعیت دوگانه برای شهروندان روسی طبق توافقنامه‌های بین‌المللی وجود دارد در حقوق کشور ایران این موارد پیش‌بینی نشده است. در چارچوب توافقنامه‌های بین‌المللی شرایط استثنایی برای کسب تابعیت دوگانه در نظر گرفته شده است. علاوه بر این، باید بر این نکته تأکید کرد که تابعیت دوگانه در فدراسیون روسیه طبق توافقنامه‌های دوجانبه‌ی این کشور با کشورهای دیگر اساساً قانونی است یعنی قانون روسیه عملاً این موضوع را پذیرفته و در قانون خود درج نموده است.

مسائل دیگر کسب تابعیت دوگانه در قوانین کشور روسیه فدرال که در نتیجه نگفتن کسب عملی تابعیت دوگانه توسط فرد به وجود می‌آید حاصل نگهداری بی‌جهت اسناد تایید کننده تابعیت سابق (نگهداری گذرنامه کشور تابعیت اولیه) و در ارتباط با جریان قانونی تابعیت جدید و گرفتن تابعیت دوگانه است. این موضوع ناشی از این مسئله است که در دوران شوروی روسیه با حجم عظیمی از جمعیتی روبه‌رو بود که طبق قوانین شوروی شهروند این اتحادیه تلقی شده اما بعد از فروپاشی دچار تابعیتی دوگانه گردیدند. در قانون ایران، اولویت اصلی برای قانونگذاران خود حق شهروندی ایرانی برای شهروندان ایرانی است به همین دلیل وضعیت حقیقی تابعیت دوگانه محتوای حائز اهمیتی ندارد. بر خلاف ایران، روسیه تجربه تابعیت اتحادیه‌ی دولت‌ها را با کشور بلاروس دارد. تنظیم حقوق اساسی شهروندی اتحادیه متکی بر اصولی است که ریشه در زمینه‌های حقوقی اتحادیه اروپا دارد؛ (کنوانسیون اروپایی تابعیت (etsn 166) (منعقد شده در شهر استاس بورگ، ۹۷/۱۱/۰۶).

اما محتوای سیاسی تابعیت روسی - بلاروسی بیش از همه توسط مکانیزم‌های حقیقی عملکردی است که متکی بر اعطای حقوق برابر برای شهروندان هر دو کشور در سرزمین‌های یکدیگر است که خود مشروط بر فعالیت‌های قانونی و یا فقدان آنها برای امکان کاربردی شدن برخی از حقوق اعلام شده است. توافقنامه‌ی روسیه - ترکمنستان برای حل و فصل مسائل مربوط به تابعیت دوگانه اولویت را در حمایت سیاسی افراد دو تابعیتی در کشور سوم "به صورت پیش‌فرض" به کشوری که تابعیت اولیه فرد در آن است می‌دهد. برای ایران که تابعیت دوگانه را به

رسمیت نمی‌شناسد، حمایت از شهروندان ایرانی در خاک کشورهای خارجی پیش‌بینی نشده است. در کشور روسیه محدودیت‌های برای افراد دو تابعیتی اعمال می‌شود. در این زمینه قوانین فدراسیون روسیه تفاوت زیادی با قوانین کشورهای دیگر ندارد. وضعیت حقیقی افراد دارای تابعیت دوگانه که عواقب نپذیرفتن تابعیت دوگانه در قوانین کشور روسیه به جز موارد پیش‌بینی شده در توافقنامه‌های بین‌المللی است، می‌تواند بر علیه آن باشد زمانی که تابعیت فدراسیون روسیه تابعیت اول فرد باشد برای مثال ارمنستان در صورت فقدان منع تابعیت دوگانه در خود ارمنستان. امروزه فعالیت چشمگیر مهاجرت نیروهای کار که رویای زندگی در ایران و روسیه را دارند دیده می‌شود که با وضعیت اقتصادی رو به رشد این کشورها و وجود جاهای خالی بسیار در اقتصاد این دو کشور توجیه می‌شود. این نیروهای کار عمدتاً از سمت کشورهای همسایه وارد این دو کشور می‌شوند (آ.و. بلوف. ۲۰۰۵: ۱۶۱-۱۵۷).

برای مثال در مورد کشور ایران، مهاجرانی از کشورهای افغانستان و پاکستان و در کشور روسیه مهاجرانی از کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و دیگر کشورها وارد می‌شوند. در اینجا لازم است امکانات و شرایط دیگری را نیز خاطر نشان کرد که نتیجه مهاجرت این افراد به این کشورها هستند. از جمله امکان ازدواج آنها با شهروندان کشوری که در آن اقامت دارند و تولد فرزند از والدینی که دارای تابعیت‌های متفاوت هستند و یا گرفتن تابعیت دوم روسی با حفظ تابعیت پیشین خود. تجزیه و تحلیل منابع جمع‌آوری شده نشان دهنده این است که تابعیت دوگانه در اثر فاکتورها و عواملی چون ازدواج با شهروندان خارجی با حفظ تابعیت اولیه به وجود می‌آید. این در حالی است که بسیاری از کشورها از جمله ایران تابعیت دوگانه را به رسمیت نشناخته‌اند و نمی‌شناسند. باین حال تعداد زیادی از شهروندان ایران تابعیت دوگانه دارند زیرا تابعیت دوگانه به آنها این امکان را می‌دهد که از مزایای بیشتری استفاده کنند یعنی افرادی که داری دو یا تعداد بیشتری تابعیت هستند، می‌توانند از مزایا و حقوق اضافی استفاده کنند. برخلاف روسیه که در سطح قوانین کشور تابعیت دوگانه را به رسمیت نمی‌شناسد و توافقنامه‌های بین‌المللی برای تابعیت دوگانه امضا کرده است، کشور ایران به طور رسمی تابعیت دوگانه را به رسمیت نمی‌شناسد و رویکرد عملی ایران نیز متکی بر همین امر است. علاوه بر آن در مجموعه قوانین

ایران شرایطی وجود دارد که عملاً فرد را وادار به پذیرش تابعیت دوگانه می‌کند. در مورد دلایل و فاکتورهای ایجاد تابعیت دوگانه در دو کشور روسیه و ایران شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در ایران با وجود عدم پذیرش تابعیت دوگانه تعداد زیادی از افراد تابعیت دوگانه دارند که به آنها این امکان را می‌دهند از این کشور خارج شوند و از حمایت‌های بین‌المللی استفاده کنند و این امر در تضاد با فشارهای سیاسی است که از سوی قدرتمندان اعمال می‌شود. در روسیه نیز طبق دلایل مشابه تعداد زیادی از افراد خواستار کسب تابعیت دوگانه هستند؛ اما در این کشور یک فاکتور مهم دیگر نیز وجود دارد: قدرتمندان روسیه با اعطای تابعیت روسیه به شهروندان کشورهای همسایه سعی در اعمال نفوذ در این کشورها دارند.

نقطه مشترک در قوانین مربوط به تابعیت دوگانه در دو کشور روسیه و ایران رویکرد اساساً منفی آنها نسبت به افراد دارای دو تابعیت است. علاوه بر این تابعیت دوگانه در کشور روسیه به عنوان پیامد اجتناب‌ناپذیر جانشینی روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است و از طریق امضای قراردادهای بین‌المللی مشروعیت پیدا می‌کند. در ایران قوانین قومی و اولویت‌های قومی - میهنی از عوامل وجود تابعیت دوگانه در این کشور هستند.

با بررسی این فصل در قالب تابعیت مضاعف در ایران می‌توان نتایج زیر را برشمرد: **اولاً**؛ دیدگاه نظام حقوقی ایران به تابعیت مضاعف مثبت نبوده و به صراحت آن را نمی‌پذیرد ولی علیرغم این سخت‌گیری در خصوص نپذیرفتن تابعیت مضاعف ایران با حجم عظیمی از افراد دو تابعیتی روبه‌رو می‌باشد که در این وضعیت قانون و نظام حقوقی ایران فاقد کارآمدی و از نوعی درماندگی رنج می‌برد و آن هم ناشی از عدم توجه به حقوق دادن خبره در تحول نظام حقوقی تابعیتی می‌باشد. **ثانیاً**، این مشکل در ایران ضرورت تجدیدنظر نسبت به قوانین و مقررات مربوطه به تابعیت و تابعیت مضاعف بخصوص در خصوص ماده ۹۷۶ قانون مدنی را نشان می‌دهد علاوه بر آن لزوم توجه به قوانین بین‌الملل و به روز نمودن قوانین ایران ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، **ثالثاً**، در مقام مقایسه نظام حقوقی ایران و روس بیشتر تفاوت‌ها در نوع نگاه قوانین این دو کشور در خصوص تابعیت مضاعف به چشم می‌خورد تا اشتراکات روسیه تابعیت مضاعف را می‌پذیرد و مدام قوانین حقوقی خود را در این راستا به

روز می‌کند در حالی که ایران تابعیت مضاعف را نمی‌پذیرد اما با جمع کثیری از دو تابعیت‌ها روبه‌رو است و راهکار حقوقی مناسبی برای این موضوع ندارد.

### تفاوت کسب تابعیت در حقوق ایران و کامن لا

اگر مورد مذکور را درخصوص ایران مورد بررسی قرار دهیم به تفاوت بارز میان آن و کشور انگلیس پی خواهیم برد مرد ایرانی به عنوان عامل تحصیل تابعیت بر زن می‌باشد؛ در طرف مقابل زن ایرانی نیز در صورتی که مطابق قانون متبوع شوهر، تابعیت مرد بر زن تحمیل می‌شود؛ آن وقت زن به تابعیت شوهر در می‌آید. با دقت در امور مذکور به این نتیجه می‌رسیم که تابعیت مورد نظر در انگلیس با تابعیت در ایران بر اثر رابطه‌ی ازدواج دارای تفاوت‌هایی می‌باشد. اشخاصی که نسبت به تابعیت انگلیس اقدام می‌کنند باید از صافی نظم عمومی و مسئله‌ی تقلب نسبت به قانون نیز عبور کنند. براین اساس وقتی که تقاضای تابعیت کشور مذکور با مسئله‌ی نظم عمومی برخورد کند، بدهی است که دادگاه‌ها نسبت به رد تقاضای مذکور اقدام خواهند کرد؛ در مورد مسئله‌ی تقلب نسبت به قانون نیز همین حکم حاکم خواهد بود.

### ۳) تفاوت در قوانین دو کشور از حیث فرزند خواندگی

باتوجه به اینکه متولی فرزند خواندگی به عنوان یکی از موضوعاتی که در نظام قانون گذاری ایران دارای مفهوم آشنا نبوده، کم اهمیت تلقی می‌شود و از این لحاظ کم‌تر مورد توجه واقع شده است. آنچه که در این مقام لازم است ذکر شود، مطابق قانون ایران، عدم پذیرش عنوان پدر واقعی به شخصی که نسبت به تحصیل تابعیت از طریق فرزند خواندگی اقدام می‌کند، می‌باشد. به عبارت دیگر وقتی شخصی نسبت به گرفتن حق حضانت و نگه داری طفلی که بی سرپرست بوده اقدام می‌کند؛ قانون گذار ایرانی، طفل مزبور را مانند اطفال طبیعی فرد قلمداد نکرده و در خصوص مسائل مربوط به ارث، وی را از این حق محروم شده فرض می‌کند؛ ولی در نظام‌های قانون گذاری انگلیس شخصی که نسبت به چنین امری اقدام کند، همانند پدر واقعی قلمداد شده و دارای تمام حق و تکالیف ما بین پدر و فرزند می‌شود. سوالی که در مورد این موضوع مطرح می‌شود این است که

فرزند خواندگی به عنوان یکی از راه‌های کسب تابعیت کشور انگلیس در نظر گرفته شده است، در حالی که در ایران برخلاف این امر مشاهده می‌شود در پاسخ به این سوال باید خاطر نشان کرد که برحسب اوضاع جوامع غربی و نابسامانی که در خصوص ارکان خانواده مشاهده می‌شود قانون‌گذاران این کشور بر آن شده‌اند، تا نسبت به کاستن از این وضع نابسامان احتمالاً ویژه به متولی فرزند خواندگی در جوامع این چنینی می‌داشته باشند.

### تابعیت مضاعف در حقوق ایران و کامن لا

با توجه به اینکه حقوق کامن لا عمدتاً بسیار گسترده است و طیف گسترده‌ای از کشورهای مختلف را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر حقوق کامن لا را با حقوق انگلیس می‌شناسند لذا در این راستا و در راستای مقایسه با ایران حقوق انگلیس مد نظر قرار گرفته است

الف- حقوق کامن لا و خاصه انگلیس از سیستم‌های اعطاء تابعیت اصل خاک را قبول، لیکن آن را با اصل خون تعدیل کرده است. ایران هر دو اصل را اتخاذ ولی به اصل خون رجیحان داده است. هر یک از دو سیستم، دارای معایب و مزایای مختص به خود بوده و هر کشوری با توجه به مصالح سیاسی- اقتصادی و اوضاع و احوال جغرافیایی خود، برای وضع مقررات مربوط به تابعیت، یکی از این دو سیستم را انتخاب می‌نماید. یا حتی ممکن است ترکیبی از این دو سیستم انتخاب گردد، مانند قانون ایران. البته، با اعمال سیستم خاک یا عده‌ای که برحسب آن، هرکس به محض تولد بایستی تبعه دولت معینی باشد رعایت شده است، در صورتی که در سیستم خون با تمام محاسن و فوایدش، از آنجائیکه که به طور مطلق قابل اجرا نیست، این منظور را تأمین نمی‌کند و باعث وجود بی‌تابعیتی می‌شود. بنابراین برای اینکه از یک طرف موارد بی‌تابعیتی زیاد نشود و از طرف دیگر تمامیت ملی در قبال اختلاط نژاد حفظ گردد، کشورها عموماً سیستم خاک و سیستم خون هر دو را پذیرفته‌اند.

جمشیدی گرجی، ۱۳۹۹: ۳-۱۰)

ب- محدودیت تابعیت اکتسابی در ایران بیشتر از انگلیس است آثار تابعیت در ایران بر اثر تحمیل تابعیت مرد بر زن و تسری تابعیت پدر به اولاد متفاوت از کشور انگلیس است که تابعیت مشترک زوجین و تابعیت پدر و مادر را مورد پذیرش قرار داده است، می باشد. خصیصه ی بارز در قوانین مربوطه به تابعیت در ایران، اعمال اصول خون و به تبع آن قانون ملی تبعه می باشد، البته در کنار آن عامل اقامتگاه نیز به عنوان جزئی مورد پذیرش قرار گرفته است. در کشور انگلیس اصل خاک مورد قبول واقع شده است که منجر به اعمال قانونی اقامتگاه می شود. مزیت عمده عامل اقامتگاه جلوگیری از بی تابعیتی شخص می باشد. در خصوص شخص حقوقی روش تعیین تابعیت آن در ایران اسلوب مرکز اصلی یا مرکز عملیات شخص حقوقی می باشد. این مورد در کشور انگلیس مل ثبت شخص حقوقی مورد پذیرش واقع شده است

ج- برای کسی که کسب تابعیت می کند برخی از حقوق از وی سلب شده است، این حقوق که اغلب به پست های مهم حکومتی و امنیتی مربوط می شود، مختص اتباع اصلی می باشند شمار این محدودیت ها در ایران در مقایسه با کشور انگلیس به مراتب بیشتر می باشند. شخص می تواند نسبت به حقوق خود و اجرای آنها، اختیار کامل و آزادی داشته باشد، به شرطی که با اعمال آن حقوق، نظم عمومی جامعه را مختل نکرده باشد. کشور انگلیس نسبت به مسأله نظم عمومی تفسیر مضیقی اعمال می کند تا از این طریق اتباع در خصوص حقوق و تکالیف خود، آزادی عمل بیشتری داشته باشد. برخلاف ایران که تفسیر وسیعی در این زمینه اعمال می کند.

د- در خصوص احوال شخصیه ایران، تابع قانون متبوع تبعه و در مواردی شوهر و پدر می باشد در حالی که در انگلیس قانون اقامتگاه صالح می باشد. در مورد اشخاص حقوقی کشور انگلیس روش محل ثبت را به عنوان روش تعیین تابعیت در نظر گرفته است و براساس آن نسبت به اعطای اشخاص حقوقی خواهان ثبت تابعیت اقدام می کند. در روش مورد نظر ایران اسلوب مرکز اصلی یا مرکز عملیات شخص حقیقی می باشد. البته در برخی موارد روش کنترل که اشاره به تأثیر تابعیت اشخاص حقیقی برتابعیت اشخاص حقوقی دارد، مورد پذیرش قرار گرفته است. -در خصوص ترک تابعیت، کشور انگلیس برخلاف کشور ایران با مسئله مذکور برخورد عادی



همانند دیگر موارد داشته است و به این امر به ترتیب توسط محکمه در وزارت کشور به آن رسیدگی می‌کند، در صورتی که در ایران این امر توسط وزارت امور خارجه و هیأت وزرا به سرانجام می‌رسد

ذ- قانونگذار انگلیس در مورد تشکیل شخص حقوقی سخت‌گیری قانونگذار ایرانی را اعمال نکرده است. چون مطابق این گروه از کشورها صرفاً از طریق ثبت نسبت به اعتبار این اشخاص پی برده است و بنابراین به امور دیگر در مورد محدود کردن اراده و قصد بانیان این اشخاص نپرداخته است. در حالی که قانونگذار ایرانی برخلاف این مورد عمل کرده است و روشهای دیگری را مدنظر قرار داده است که می‌تواند منجر به بی‌ثباتی و تعارض قوانین در این زمینه شود.

قید نهاد شهروند در قانون شهروندی ظاهراً دلالت بر سکنه دارد. و اعم از اتباع ایرانی و غیر آن را شامل می‌شود. قوانین و مقررات تابعیت ایران، برعکس حقوق انگلستان، فقط با یک مفهوم، یعنی تابعیت، کلیه اشخاص منتسب به ایران را از غیر ایران ممتاز می‌سازد کاربرد اصطلاحی نظیر شهروند، سکنه، ملت، مردم و غیره که در مصوبات قانونی دیده می‌شود غیر از شهروند و شهروندی جدیداً مطرح شده در آن با معنی حقوق انسانی یا حقوق بشر صرفاً به مفهوم تابعیت می‌باشد. با این حال شهروند و شهروندی با مفاهیم گنگ و ناشناخته خود همچنان در افواه مردم و رسانه‌های گروهی و در قوانین متعدد مورد استفاده و استناد می‌باشند. قوه قضاییه در سالیان اخیر مبادرت به تهیه و تصویب برخی مقررات مربوط به حقوق شهروندی و قضایی نموده بدان وسیله ادبیات حقوق خاص و وسیعی هم در خصوص حقوق شهروندی قضایی به وجود آمده است. (جمشیدی گرجی، ۱۳۹۹: ۳-۱۰)

### بررسی پیامدهای مثبت و منفی تابعیت مضاعف

الف- مسئله خدمت سربازی و پرداخت مالیات در تابعیت مضاعف: مشکل تابعیت دوگانه به ویژه در دوران تشدید اوضاع بین‌المللی و تقابل نظامی دولت‌هایی که فرد همزمان تابعیت هر دو را دارد، مشهود می‌گردد، زیرا هنگام عملیات جنگی از شهروند هر دولتی انتظار می‌رود وظایف نظامی خود را در راستای دفاع از میهن انجام

دهد. لازم به ذکر است که در بسیاری از توافقنامه‌های چند جانبه و دو جانبه در مورد تابعیت دوگانه، مسائل مربوط به انجام وظیفه نظامی توسط دو تابعیتی‌ها در شرایط جنگی، حل نشده است. بدین ترتیب، در صفحه‌ی ۲۱ کنوانسیون اروپا درباره‌ی تابعیت، مقرر شده است که در صورت بسیج شدن در یکی از کشورهای عضو کنوانسیون، مقررات مربوط به وظیفه‌ی نظامی دو تابعیتی‌ها به کشور دیگر عضو کنوانسیون اعمال نمی‌شود. بنابراین، همان طور که آ.ب. بلوف به درستی اشاره می‌کند، اگر هر دو دولتی که شهروند آن‌ها تابعیت هر دو کشور را دارد وارد درگیری مسلحانه شوند، ممکن است شرایط پیچیده شود، به طوری که شخص دو تابعیتی موظف به جنگیدن، با نادیده گرفتن فعالیت بسیجی، تعهدات ناشی از وفاداری (حداقل در ارتباط با یکی از کشورهای ملیت) را نقض کند (آ. و. بلوف، ۲۰۰۲: ۱۵۹)؛ اما حتی در صورت عدم برخورد نظامی مستقیم کشورها، دو تابعیتی ممکن است به پدیده‌های منفی برای یکی از کشورهای فرد شهروند منجر گردد: داشتن تابعیت دوم برای حلقه‌ی معینی از افرادی که در نهادهای دولتی کار می‌کنند، ممکن است منجر به درگیری منافع شوند، زیرا همیشه منافع یک دولت با منافع کشورهای دیگر همخوانی ندارد. بنابراین می‌توان بیان داشت که رعایت قوانین و مقررات و انجام تکالیف دولت متبوع خود در برابر حمایت سیاسی و دیپلماتیک آن کشور که این موضوع معضلاتی را در اجرای قوانین دولت مختلف فراهم می‌کند و انجام تکالیف در برابر دو دولت مشکل خواهد بود از جمله پرداخت مالیات به دو کشور، خدمت نظام وظیفه در هر یک از دو کشور. در مواردی که اخذ تابعیت دوم کنترل نشده باشد، خطر اشغال موقعیت‌های عالی رتبه‌ی دولتی توسط دو تابعیتی‌ها، دسترسی به اسرار دولتی و مدیریت موضوعاتی که سوء استفاده از آن‌ها خطر فراوانی برای اطرافیان در پی خواهد داشت، به وجود می‌آید.

**ب- افزایش فرسایش دولت:** علاوه بر این، کارشناسان دیدگاه عادلانه‌ای را بیان می‌کنند که گسترش تابعیت دوگانه طی بحران دولتی، ناگزیر تضعیف و فرسایش بیشتر آن را در پی خواهد داشت: «علی‌القاعده خطر تخریب جامعه‌ی ملی، فروپاشی، درگیری و تضعیف انسجام جامعه هنگامی بیشتر می‌شود که ساکنین، افراد دارای تابعیت دوگانه باشند که ممکن است در قیاس با شرایطی که فقط تابعیت کشوری که در آن زندگی می‌کنند را داشته باشند، خود را جهت ابراز وفاداری به کشور دیگر مسئول تر حس کنند.» (شرر، ۱۹۹۴: ۴۵-۴۹).

ج- فقدان اتحاد و یکپارچگی: دو موضوع گسترده‌تر پشتیبان این دیدگاه است که باید اتحاد و یکپارچگی را تقویت و بررسی کرد. نخستین موضوع، به الگوهای اتحاد از هم پاشیده اشاره دارد که به نرخ بیکاری بالای مهاجرین، سطح پایین سواد آنها و وابستگی بالاتر از متوسط آنها به رفاه اشاره دارد. موضوع دوم، ترس بیشتر از تروریسم و بنیادگرایان اسلامی است که منجر به رعایت شیوه‌های مذهبی و سنتی غیر لیبرال عمومی و سیاسی در کشورهای اروپایی شده است و شامل ازدواج‌های سنتی و اجباری و مرگ‌های افتخاری است. نگرانی در خصوص مهاجرین کشورهای مسلمان بعد از ۱۱ سپتامبر و بمب‌گذاری مادرید و لندن افزایش پیدا کرده است. مادامی که شواهد تجربی نشان می‌دهد که تابعیت مضاعف شاید بتواند مشارکت سیاسی و فرصت‌های اقتصادی اجتماعی را افزایش دهد، اما هیچ استدلال معقول و عملی و در واقع هیچ اثباتی وجود ندارد که نشان دهد تابعیت مضاعف به ماریپیج عدم تلفیق حذف شدن و تجزیه کمک می‌کند (Glazer, 2010: 6814-6820)

د- عدم وفاداری: تابعیت دلالت بر آن دارد که یک فرد با ارزشهای سیاسی مشترک، حس مسئولیت در قبال کالایی مشترک و حس وحدت با شهروندان در یک کشور مشخص شناسایی می‌شود. برای دولت‌ها، اساسی‌ترین مسئله در خصوص وفاداری به آن دسته از ساکنین دائمی برمی‌گردد که قصد چشم‌پوشی از تابعیت کشور مقصدشان را ندارند. ممکن است افرادی وجود باشند که ساکنین دائمی یک کشور سالها بدون هرگونه دستیابی به شهروندی آن کشور باشند. مهاجرینی که پیوندهای نمادین اجتماعی خود را با وطن حفظ می‌کنند که در آرزویشان برای حفظ تابعیت اصلی‌شان بیان می‌شود، اغلب توسط گروه‌های غالب جوامع مهاجر به عنوان افرادی نگریسته می‌شوند که فاقد هویت ماهوی با کشور محل استقرارشان هستند. در نهایت، بسیاری از آنها احتمالاً به کشور مقصد برنگردند یا به مهاجرت ادامه دهند. اینکه اتحاد و یکپارچگی و وفاداری آنها را به دولت کشور محل استقرار باور کنیم در شرایطی از این دست ارتقا پیدا می‌کند. در نتیجه موافقین تابعیت مضاعف اشاره داشته‌اند که آن دسته از کشورهایی که نرخ اعطای تابعیت پایینی دارند دیدگاه عملگرا تری از تابعیت مضاعف دارند) (Glazer, 2010: 6814-6820)

ر- تنزل ارزش شهروندی ملی: تابعیت مضاعف با این حس ارتباط دارد که شهروندی ملی ارزش خود را از دست خواهد داد. در این خصوص که آیا کسب شهروندی یک پیش شرط برای تلفیق فرآیند است هیچ اتفاق نظری وجود ندارد. ابتکارات سیاسی فعلی و تغییرات حکایت از آن دارد که دیدگاه بعدی اهمیت بسیاری به دست آورده است زیرا کشورها اعطای تابعیت و قوانین و ضوابط دیگری معرفی کرده‌اند. کلیه این عوامل در واکنش به ترس عدم یکپارچگی و اعتماد و حتی ناکامی درک شده یکپارچه نسبت داده شده به رفتار مهاجرین است. بسیاری از کشورهای اروپایی من جمله کشورهایی که به عامل تابعیت به عنوان ابزار اتحاد می‌نگرند مثل هلند، قوانین اتحاد و زبانی سختگیرانه تری را به عنوان پیش شرط کسب مجوز اقامت و شهروندی ایجاد کرده‌اند. مهاجرینی که نمی‌توانند این قوانین را برآورده کنند، با محرومیت مواجه می‌شوند. بسیاری از کشورهای اروپایی نیز آزمونهای شهروندی که شیوه رایج در امریکا و کانادا است، را با آزمون های رسمی برای بررسی مهارتهای زبانی و دانش اجتماعی فرد برگزار می‌کنند. این کشورها شامل دانمارک در سال ۲۰۰۲، فرانسه و هلند در سال ۲۰۰۳، یونان ۲۰۰۴، انگلستان ۲۰۰۵ و اخیرا اتریش و برخی از کشورهای فدرال آلمان (لاندر در سال ۲۰۰۶) است. ایده اعطای تابعیت به عنوان حد کمال یک فرآیند اتحاد تکمیل شده آن است که قوانین شهروندی باید معیارهای موفق برای تلفیق و یکپارچگی مدنی و اقتصادی اجتماعی موفق مشخص کند. این بدان معناست که مهاجرین باید این معیارها را قبل از دستیابی به شهروندی حاصل کنند و طیف کاملی از حقوق فردی در ارتباط با آنها قرار دارد. کسب شهروندی بسته به عملکرد فردی و ررای مهاجرت و سیاست‌های اعطای تابعیت است. به عنوان مثال برخی از حقوق رفاهی بر اساس شهروندانی است که با موافقت با رفتار مطلوب تعریف شده توسط دولت انطباق پیدا می‌کنند. این مقیاسها و توجه روز افزون به معیارهایی مثل درآمد و سایر صلاحیت های اقتصادی باید به عنوان یک عامل دفاعی از شهروندی ملی نگریسته شود. این تغییر که در نگاه اول تنها نشانه‌ای از یک رویکرد محدود گرایانه تر در خصوص شهروندی است، ناشی از ترس اعضای اتحادیه اروپا است که توسعه شهروندی اروپا ارزش شهروندی ملی را پایین می‌آورد. (Washington, 2005: 3-9)

کشورها قوانینی برای دستیابی به شهروندی وضع کرده‌اند که تابعیت مضاعف را در بر گرفته و تابعیت ارضی بر

اساس حق تولد را به هنجار تبدیل کرده است و توسعه ای است که همه به نظر غیر قابل برگشت است در ریشه، رابطه جایگزینی درک شده ای بین تابعیت ملی (که دربردارنده فرضیات سرزمینی از عضویت کامل) و تابعیت اروپایی (در بر دارنده بخش اعظم حقوق فردی یک فرد و حق اقامت) قرار دارد. حل این تنش دشوار است آنچه در معرض خطر قرار دارد توازن جدید میان تابعیت حقوقی (که اغلب ملیت نامیده می‌شود) و شهروندی و تابعیت سیاسی است. تابعیت سیاسی سه بعد تعاملی متقابل دارد که شامل آزادی سیاسی برابر، حقوق متقابل و تعهدات بین دولت و شهروندان و پیوند جمعی به جامعه سیاسی است. حقوق و تعهدات از ملیت قانونی جدا می‌شود و ارتباط و پیوند جمعی می‌تواند به کشورهای مختلف در خصوص تابعیت مضاعف و یا حتی فرا ملی ها اشاره داشته باشد. مثل شهروندی و تابعیت اتحادیه اروپا. ریشه مشترک تابعیت هنوز یکسان است چه از تابعیت ملی مضاعف و چه تابعیت اتحادیه اروپا صحبت کنیم. ریشه همه آنها آزادی سیاسی برابر است. پس مهم است به خاطر آوریم که مفهوم سیاسی شهروندی نه تنها در بردارنده حقوق و تعهدات و وابستگی به هویت ملی بلکه این ایده را در بردارد که افراد تابع قانون، نویسنده قانون نیز هستند. (Glazer, 2010: 6814-6820)

ز- به هم خوردن تعادل جمعیتی: افزایش جمعیت کشور پذیرنده: مهاجرت می‌تواند عاملی در بر هم خوردن تعادل جمعیتی محسوس گردد. زیرا با ورود جمعیت مهاجرین به کشورهای پذیرنده، ایجاد ساختارهای زیربنایی جمعیتی و امکانات لازم برای اسکان، خدمات آموزشی و بهداشتی در هر جامعه‌ای لازم و ضروری می‌باشد. ایجاد این زیرساختها خود برای دولت پذیرنده هزینه‌هایی را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر ایجاد شغل برای این جمعیت هدف و رواج کار سیاه (غیرقانونی) از آثاری است که به تبع افزایش جمعیت مهاجرین در کشور پذیرنده غیر قابل اجتناب خواهد بود.

ط- چالش رای مضاعف: سوالی که اغلب در بحث های رایج پیش می‌آید مسئله ی حق رای دهی دوگانه است. در سوئد نقض احتمالی اصلی "یک فرد یک رای" همان چیزی بود که مخالفین قوانین آزادسازی شهروندی به عنوان مهمترین مشکل می‌نگریستند. مزیت داشتن افراد بیشتری که در امور کشوری که در آن ساکن هستند شرکت میکنند بعداً بر مسئله رای دوگانه سنگینی می‌کند. علاوه بر این، این مسئله بیش از حد بزرگ

شده است. حتی اگر در دو و یا بیش از دو کشور افراد حق رأی داشته باشند، این حقوق معمولاً در انتخابات و سیاست‌های مختلف انباشته و یکپارچه می‌شود و دوبار شمرده نمی‌شود. این بدان خاطر است که بسیاری از کشورهای اروپایی به مهاجرین در شرایطی معین اجازه می‌دهند تا در سطح ملی رای دهند. **Washington, (2005: 3-9)** به عنوان نمونه در میان ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا تنها یونان و ایرلند به شهروندان خارجی در کشور حق رای نمی‌دهد. از آنجایی که بندهای رفتار برابر معمولاً مانع از رفتار متفاوت مهاجرین با یک شهروند و افرادی با تابعیت مضاعف می‌شود، افراد دو تابعیتی ساکن خارج از کشور معمولاً حقی رای دهی دارند. اگر ارتباط میان شهروندان مربوطه و دولت‌ها ادامه پیدا کند، مشخص است که این پیوندها باید در حاکمیت رویه‌ها و روند دموکراتیک باشد. به هر روی، اگر یک شهروند هر دو کشور فرانسه و آلمان اجازه رای دهی در هر کشوری در پارلمان اروپا را داشته باشد این بدان معناست که رای وی دوبار شمرده می‌شود. این به وضوح قانون "یک فرد یک رای" را نقض می‌کند. در پاسخ به این مخالفت که دو تابعیتی‌ها اولویت دارند به خاطر آنکه می‌توانند از طریق رای دهی در دو سیاست مختلف منافع خود را تعقیب کنند، می‌توان استدلال کرد که افرادی که پول و منابع بیشتری دارند تأثیر بیشتری نسبت به سایرین در انتخابات دارند. این مهم در سیستم‌های سیاسی فدرال مثل آمریکا و آلمان و یا سیستم‌های پرتوفدرال مثل اتحادیه اروپا متفاوت است. (Glazer, 2010: 6814-6820)

ن- ایجاد تعادل جمعیتی: نقش تابعیت مضاعف در تعادل جمعیتی: چنانچه امروزه مشاهده می‌شود بسیاری از کشورها با کاهش نرخ جمعیت روبه‌رو بوده و دچار پیری جمعیتی هستند و در مقابل بسیاری کشورهای دیگر با افزایش جمعیت روبه‌رو هستند لذا تابعیت مضاعف در این راستا می‌تواند نقشی متعادل ایفا نماید. به عبارت دیگر کشورهای کمتر توسعه‌یافته که با رشد جمعیت غیر قابل کنترل روبه‌رو هستند می‌توانند در جهت کاستن از مشکلات جمعیتی، مساله مهاجرت یکسویه و تابعیت مضاعف را مثبت قلمداد نمایند. کشورهای صنعتی که با کمبود نیروی کار مواجه می‌باشند در صدد جبران این کمبود با اعطای تابعیت برمی‌آیند. از سوی دیگر جذب

نیروی متخصص می‌تواند در کاهش هزینه‌های آموزشی و صرفه‌جویی در بودجه کشور پذیرنده نقشی موثرایفا نماید و این مورد بوسیله تابعیت مضاعف برطرف می‌گردد.

و- **برخورداری از حمایت دیپلماتیک:** برای اینکه افراد دارای تابعیت مضاعف بتوانند علیه یکی از دولتهای متبوع خود اقامه دعوی نمایند بایستی توسط دولتی که تابعیت غالب فرد می‌باشد مورد حمایت دیپلماتیک قرار بگیرند و دولت به حمایت از تبعه خود علیه کشور دیگر متبوع اقامه دعوی نماید. چرا که در حقوق بین‌الملل یک شخص نمی‌تواند علیه یک دولت اقامه دعوی نماید بلکه بایستی دولت متبوع از وی حمایت دیپلماتیک نماید. نمونه این موضوع مربوط به بیانیه الجزایر و تشکیل دیوان داوری دعاوی ایران- ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ مطابق با ۱۳۵۹/۱۰/۲۹ در مورد اختلافات و دعاوی خود و اتباع خود علیه طرف دیگر می‌باشد. در بین اتباع ایالات متحده که علیه ایران دعای خود را ثبت کرده بودند عده زیادی دارای تابعیت اصلی ایرانی بودند و به عبارت دیگر عده زیادی از آنها دارای تابعیت مضاعف ایران و آمریکا بودند. ایران درخواست نمود که هیأت عمومی دیوان تصمیم خود را در ارتباط با عدم پذیرش دعاوی ثبت شده توسط اتباع ایران علیه جمهوری اسلامی ایران اعلام دارد، و تا اعلام این تصمیم رسیدگی‌های دعاوی دارندگان تابعیت مضاعف در شعب دیوان متوقف گردد.

ه- **ترجیح تابعیت موثر یا عملی بر سایر تابعیت فرد:** بنابراین در تعارض دو یا چند تابعیت خارجی برای یک فرد باید تابعیتی را ترجیح داد که براساس علایق حقیق و عملی استوار باشد. که به تابعیت موثر یا عملی معروف است. برای تشخیص تابعیت عملی و موثر، قاضی باید قراین و اوضاع و احوال را بررسی نموده و در نظر بگیرد که فرد در عمل به تابعیت کدام کشور تعلق دارد. و لذا محل سکونت، نوع زبان، تابعیت همسر شخص، گذرنامه‌ای که مورد استفاده قرار گرفته و همچنین انتخاب شخص (بعنوان یکی از عوامل تابعیت عملی) مورد توجه قرار می‌گیرد. و این در حالی است که شخص دو تابعیتی ممکن است به لحاظ فردی خود تابعیت دیگری غیر از تابعیت موثر انتخاب نموده باشد.

بسیاری از مهاجرین وابستگی ها و دلبستگی هایی به دو و یا بیش از دو مکان در مرزهای ملی و کشورها دارند. در نتیجه، هویت و وفاداری های متعددی پیدا می کند. زمانی که شهروندانی با تابعیت مضاعف تابعیت خود را برای هویتشان ضروری می انگارند، تصمیم در خصوص ترک یک تابعیت در صورت اجبار و حفظ دیگری، باعث ایجاد مشکلات عاطفی می شود. این شهروندان دو تابعیتی، پذیرش تابعیت دوگانه کشور را نوعی از مشروعیت رسمی هویت چند فرهنگی شان می انگارند. از این حیث می توانیم به تابعیت مضاعف به عنوان پذیرش نمادین شرایط زندگی فراملی بنگریم. مثل بزرگ شدن در زمینه های نژادی و فرهنگی مختلف کشورها و مذاهب و از این حیث تابعیت مضاعف می تواند فرآیند تلفیق و یکپارچگی را ارتقاء بخشد. خاصه، اگر دولت مربوطه تابعیت مضاعف فرزندان دو تابعیتی را بپذیرد و یا حتی از آن استقبال کند، میتوان آنها را آسان تر متحد کرد، زیرا احتمال می رود دولت، چنین فرزندان را برای رشد صلاحیت های ویژه مرتبط با یک زمینه فراملی مثل دو زبانه بودن و یا میانجی گری های بین فرهنگی تشویق کند. (Thomas. 2000: 10)، مثلا در آلمان فرزندان ازدواج های دو ملیتی که از زمان تولد دو تابعیت دارند تابعیت دومشان را در اتحاد بسیار مهم می دانند. در بستر محلی مشارکت و تماس های بین فرهنگی، تابعیت مضاعف به افراد بومی در شناخت کامل مهاجرین و اعضای برابر جامعه کمک می کند. اگر چه تبعیض اشکال مختلفی دارد اما فرق بین شهروندان و بیگانگان نیز نقش مهمی در میزان احترام دارد. وضعیت شهروندی به مهاجرین کمک می کند تا خود را اعضای شایسته جامعه و لایق احترام از جانب دیگران بدانند. این ملاحظات در توسعه مفهوم شهروندی مدنی که پارلمان اروپا و کمیسیون اروپا بر آن تاکید دارند لایق و درخور است (کمیسیون جوامع اروپایی ۲۰۰۳). شهروندی مدنی با هدف ارتقای تحمل متقابل، وحدت و اعتماد میان مهاجرین و شهروندان ایجاد شده است. از آنجایی که شهروندی مدنی ضروری نمیداند که کلیه افراد دخیل شهروندان کاملی باشند، شهروندان دو تابعیتی که صلاحیتهای دو فرهنگی دارند، می توانند به عنوان میانجی بین تازه واردین و شهروندان نقش مهمی ایفا کنند. -Thomas. 2000: 10



امروزه بر اثر گسترش جهانی شدن، رسانه‌ها و تبادلات فرهنگی، گسترش حمل و نقل، جابجایی، مهاجرت و غیره شک‌گیری و گسترش تابعیت مضاعف امری اجتناب‌ناپذیر است که قوانین کشورها از جمله ایران ضرورت توجه و لحاظ نمودن آن را مد نظر قرار دهند لذا می‌توان بیان داشت که اولاً، علیرغم اینکه دیدگاه نظام حقوقی ایران به تابعیت مضاعف مثبت نبوده و به صراحت آن را نمی‌پذیرد ولی علیرغم این سخت‌گیری در خصوص نپذیرفتن تابعیت مضاعف ایران را با حجم عظیمی از افراد دو تابعیتی روبه‌رو کرده است با این تفاوت که روسیه و حقوق کامن‌لا بحث تابعیت مضاعف در حقوق خود را پذیرفته اند علاوه بر آن در مقایسه سیستم‌های حقوقی میان سه کشور می‌توان بیان داشت که قانون روسیه در مورد تابعیت دوگانه نسبت به قوانین بسیاری از کشورهای خارجی از جمله اروپا، حاوی هنجارهای مشابه و گاهی بیشتر لیبرال است که از این حیث بر خلاف حقوق ایران به کشورهای کامن‌لا نزدیک است. ثانیاً، حقوق کامن‌لا و خاصه انگلیس از سیستم‌های اعطاء تابعیت اصل خاک را قبول، لیکن آن را با اصل خون تعدیل کرده است. ایران هر دو اصل را اتخاذ ولی به اصل خون رجیحان داده است. ثالثاً، دیدگاه نظام حقوقی ایران به تابعیت مضاعف مثبت نبوده و به صراحت آن را نمی‌پذیرد ولی علیرغم این سخت‌گیری در خصوص نپذیرفتن تابعیت مضاعف ایران با حجم عظیمی از افراد دو تابعیتی روبه‌رو می‌باشد که در این وضعیت قانون و نظام حقوقی ایران فاقد کارآمدی و از نوعی درماندگی رنج می‌برد و آن هم ناشی از عدم توجه به حقوق دادان خبره در تحول نظام حقوقی تابعیتی می‌باشد. ثانیاً، این مشکل در ایران ضرورت تجدیدنظر نسبت به قوانین و مقررات مربوطه به تابعیت و تابعیت مضاعف بخصوص در خصوص ماده ۹۷۶ قانون مدنی را نشان می‌دهد علاوه بر آن لزوم توجه به قوانین بین‌الملل و به روز نمودن قوانین ایران ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، رابعاً، در مقام مقایسه نظام حقوقی ایران و روس بیشتر تفاوت‌ها در نوع نگاه قوانین این دو کشور در خصوص تابعیت مضاعف به چشم می‌خورد تا اشتراکات روسیه تابعیت مضاعف را می‌پذیرد و مدام قوانین حقوقی خود را در این راستا به روز می‌کند در حالی که ایران تابعیت مضاعف را نمی‌پذیرد اما با جمع‌آوری از دو تابعیت‌ها روبه‌رو است و راهکار حقوقی مناسبی برای این موضوع ندارد خامساً، خصیصه ی بارز

در قوانین مربوطه به تابعیت در ایران، اعمال اصول خون و به تبع آن قانون ملی تبعه می باشد، البته در کنار آن عامل اقامتگاه نیز به عنوان جزئی مورد پذیرش قرار گرفته است. در حقوق کامن لا اصل خاک مورد قبول واقع شده است که منجر به اعمال قانونی اقامتگاه می شود.

### منابع

- ۱- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج اول و دوم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات پایدار.
- ۲- نصیری، محمد. (۱۳۷۵). حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد‌های اول و دوم، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- ۳- خلعتبری، ارسلان. (۱۳۱۶). حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، تهران: چاپخانه روشنائی.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). مبسوط، ج ۱، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- ۵- شیخ‌الاسلامی، سید محسن. (۱۳۸۴). حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۶- بلدسو، رابرت، بوسچک. (۱۳۷۵). فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه بهمن آقائی، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۷- ارفع‌نیا، بهشید. (۱۳۷۲). حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد اول، چاپ سوم، تهران: چاپ مروی.
- ۸- قانون فدرال ۲۰۱۶/۵/۲۵ شماره ۱۲۸ "درباره‌ی ایجاد اصلاحات در عملکردهای مجرای قانونی فدراسیون روسیه در بخش شفاف‌سازی مطالبات برای اشغال پست‌های دولتی و شهرداری" / روزنامه‌ی روسیه - ۲۰۰۶ - ش ۴۱۲۸.
- ۹- قانون فدرال ۲۰۰۴/۷/۲۷ شماره ۷۹ "درباره‌ی خدمات شهروندی دولتی فدراسیون روسیه" (ویرایش ۲۰۱۴/۲/۴) / جلسه قانون فدراسیون روسیه - ۲۰۰۴ - شماره ۳۱ - ماده ۳۲۱۵.
- ۱۰- قانون فدرال مربوط به ۳۱ می سال ۲۰۰۲ شماره ۳۴-۶۲ "در مورد حق شهروندی روسیه فدرال" / روزنامه روسی - چاپ فدرال شماره ۲۹۶۸.
- ۱۱- آ. و. بلوف. (۲۰۰۲). تابعیت دوگانه و مسئله‌ی وفاداری، حقوق شناسی، ش. ۲ (۲۴۱).

۱۲- جمشیدی گرجی، مصطفی (۱۳۹۹) مطالعه تطبیقی تابعیت مضاعف در نظام های حقوقی ایران و انگلیس، ششمین

کنفرانس بین المللی مطالعات حقوقی و قضایی

۱۳- ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۵). اسلام و حقوق بین الملل خصوصی، چاپ هشتم، گنج دانش.

۱۴- شرر، ر. (۱۹۹۴). روش و تجربه‌ی کشورهای اروپایی در حل مسائل تابعیت دوگانه، مواد سمینار مسائل تابعیت،

بی‌تابعیتی و وضعیت خارجی‌ها در کشورهای مستقل مشترک المنافع و بالتیک - هلسینکی

15-Faist, Thomas. 2000. The Volume and Dynamics of International Migration and Transnational Social Spaces. Oxford: Oxford University Press.

16-Nathan Glazer(2010), Dual Nationality: Threat to National Identity, or Harbinger of a Better World, Nathan Glazer / Procedia Social and Behavioral Sciences 2 (2010) 6813–6821

17-Washington, D. C. Georgetown University Press, 2005. Renshon has continued to publish on this issue: See “Reforming Dual Citizenship in the United States: Integrating Immigrants into the American National Community,” Center for immigration Studies Paper 25, and “Becoming American: The Hidden Core of the immigration debate,” Center for Immigration Studies 2007

18-Trend toward Dual Nationality, in RIGHTS AND DUTIES, supra note 20, at 3, 6.

19-<https://www.henleyglobal.com/industry-news-details/the-rise-of-multiple-citizenship/>

20-ДВОЙНОЕ ГРАЖДАНСТВО В РОССИЙСКОМ ЗАКОНОДАТЕЛЬСТВЕ(2012), [https://sapporo.mid.ru/doub\\_rus](https://sapporo.mid.ru/doub_rus)